

پژوهش‌های ایرانی

فرهنگ‌نامه ایران

دانشنامه پامیر و ایرانی

فرهنگ و تمدن کهن ایران، کاشیان و دیگر مردمان پامیر و ایرانی

رضا مرادعلی آبادی

دوره‌های باستان‌شناسی، سکونتگاه‌ها، آثار و بناهای باستان، چگونگی زندگی و سازدهای خورشیدی؛

سنگ‌نگاردها، خط‌ها و زبان‌ها، کتیبه‌ها و متون کهن، دست‌نویس‌ها و علمی؛

تخصیص‌های تاریخی و اسطوره‌ای، نام‌های اوستا و شاهنامه، دانشوران، ایران‌شناسان، ادیبان و شاعران؛

چگونگی و کردهای مردمی، مناسبت‌های تقویمی و باورهای کهن؛

هنرهای مردمی و صنایع دستی، موسیقی و خوشنویسی، آوری و مکتوبات؛

تاریخ‌نامه‌ها و جغرافی‌نامه‌ها؛

تاریخ‌نگاران و جغرافی‌نویسان، شرق‌شناسان و سفرنامه‌نویسان.



تهران ۱۳۹۲

از همین نویسنده

- فرهنگنامه عکس ایران، چاپ سوم، ۱۳۹۲
- نقشه باستانی ایران، چاپ چهارم، ۱۳۸۶
- نگاره‌های پیش از تاریخ ایران، ۱۳۷۶
- سنگ‌نوشته‌های فارسی باستان، ۱۳۷۷
- کتیبه بیستون، چاپ سوم، ۱۳۸۴
- رصدخانه خورشیدی نقش‌رستم، ۱۳۷۸
- رصدخانه نیمروز، ۱۳۷۸
- نظام گاه‌شماری در چارتاقی‌های ایران، ۱۳۸۰
- تخت جمشید، چاپ دوم، ۱۳۸۱
- نقش‌رستم و پاسارگاد، ۱۳۸۰
- تردید در مسئله مهاجرت ایرانیان و چگونگی آب‌وهوا و دریاهاى باستانی ایران، چاپ سوم، ۱۳۸۴
- اوستای کهن: بررسی پیرامون نجوم‌شناسی بخش‌های کهن اوستا، چاپ دوم، ۱۳۹۱
- حقوقی و نجومی ایران، ۱۳۷۶
- راه شیراز، ۱۳۸۳
- خانه درین، ۱۳۸۳
- راهنمای زمان جشن‌ها، باستان‌های مردمی ایران، چاپ دوم، ۱۳۸۷
- زادروز فردوسی، ۱۳۸۴
- جشن‌های مهرگان و یزد، ۱۳۸۴
- نوروزنامه: پنجاه گفتار در پژوهش‌های زبانی، ۱۳۸۶
- اسییت‌نامه: بیست و دو گفتار در پژوهش‌های زبانی، ۱۳۸۸
- کتیبه خارک، ۱۳۸۸
- چارتاقی‌های ایران: بررسی پیوند چارتاقی‌ها با زمان و تغییرات آب‌وهوایی، ۱۳۸۹
- ایران چیست؟ طرح مسئله پیرامون نام‌های آریا، ایران و فارس، ۱۳۹۰
- فراهمان‌نامه: نگاهی به فرهنگ و آداب‌ورسوم مردم فراه، ۱۳۹۰
- گوی بالدار: بررسی سیر تطور یک نقش کیهانی کهن در شرق باستان، ۱۳۹۰
- درآمدی بر شکل‌گیری مناسبات مدنی جوامع باستان و غلبه سلطه‌گری، ۱۳۹۱
- زیبورافزارهای باستانی قفقاز، ۱۳۹۱
- سنگ‌نگاره‌های صخره‌ای ایران، ۱۳۹۱

سرشناسه: مرادی غیاث آبادی، رضا، ۱۳۴۲-
 عنوان و نام پدیدآور: فرهنگنامه ایران: دانشنامه پامیروایرانی - فرهنگ و تمدن کهن فلات ایران، کاشیان و دیگر مردمان پامیروایرانی / تحقیق، تألیف، عکاسی و نشر رضا مرادی غیاث آبادی
 مشخصات نشر: تهران: رضا مرادی غیاث آبادی، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری: ۸۴۸ ص.: مصور.
 فروست: پژوهش‌های ایرانی.
 شابک: 978-964 04-9639-8
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 عناوین دیگر: دانشنامه پامیروایرانی - فرهنگ و تمدن کهن فلات ایران، کاشیان و دیگر مردمان پامیروایرانی.
 موضوع: ایران‌شناسی - دایره‌المعارف‌ها
 مؤلف: ایران - دایره‌المعارف‌ها
 رده‌بندی جنگ: ۱۳ ف ۴۲ / م ۴ / DSIR۶۴
 رده‌بندی دی‌یو: ۹۵۵/۰۷۲
 شماره کتابشناسی: ۳۱



فرهنگنامه ایران

تحقیق، تألیف، عکاسی و نشر
 رضا مرادی غیاث آبادی

+
 لیتوگرافی و چاپ
 نقش طاووس / کاوا

چاپ نخست ۱۳۹۳
 ۱۱۰۰ نسخه

+
 همه حقوق محفوظا

نسانی صندوق پستی ۳۵۵-۱۳۱۴۵ تهران

تلفن ۴۴۱۷۶۱۱۰ (۹۸۲۱)

www.iranlia.ir / info@iranlia.ir

شابک ۹۷۸ ۹۶۴ ۰۴ ۹۶۳۹ ۸

۴۸.۰۰۰ تومان

حدود یک‌هزار سال از زمان اهدای نام‌های ایرانیان در گردآوری و نگهداری و ضبط خاطره تاریخی مشترک و یادمان‌های ذهن مردم فلات ایران می‌گذرد. کوشش‌هایی به شکل خدای‌نامه‌نویسی، شاهنامه‌سرایی، باستان‌نگاری، مردم‌نگاری و تقویم‌شناسی که فردوسی و بیرونی دو تن از سرآمدان آنان در دو شاخه و یک‌گرم شفاوت، اما با چشم‌اندازی یکسان بودند.

وضعیت منابع پژوهشی امروز در قیاس با سده چهارم شماری از جیتی بهتر و از جهت دیگر دشوارتر شده است. کاوش‌های نسبتاً گسترده باستان‌شناسی و پژوهش‌های زبان‌شناسانه همراه با دستیابی به شماری از کتیبه‌های باستانی و رمزگشایی آنها توانست پرتوی درخشانی بر راه مطالعات باستانی بیندازد. اما همه اینها در حالی بود که بسیاری از منابع مکتوبی که در سده چهارم هجری در دسترس پژوهشگران بوده و بدان‌ها استناد می‌کرده‌اند، از دست رفته‌اند. از جمله این آثار، خدای‌نامه‌هایی است که حمزه اصفهانی در تالیف «سنی ملوک‌الارض و الانبیاء» از آنها بهره برده و امروزه هیچیک از آنها بر جای نمانده است: سیر ملوک‌الفرس از ابن‌مقفع، سیر ملوک‌الفرس از محمد بن جهم برمکی، تاریخ ملوک‌الفرس مستخرج از گنجینه مأمون، سیر ملوک‌الفرس از زادویه بن شاهویه اصفهانی، سیر ملوک‌الفرس از محمد بن بهرام بن مطیاری اصفهانی، تاریخ ملوک بنی ساسان از هشام بن

قاسم اصفهانی، تاریخ ملوک بنی ساسان از بهرام بن مردان‌شاه، و نیز آثاری از ابومعشر بلخی که حمزه مکرراً به قول او استناد می‌کند.

دشواری دیگری که ایران‌شناسی امروز در قیاس با سده چهارم با آن روبرو شده، بازگشت به سنت‌های ساسانی اتکا به مزدیسنا است که در سده اخیر متداول شده و رواج یافته است. پژوهشگران سده چهارم با دیدی گسترده و نگاهی جامع‌نگرانه، به تمامی مردمان و ادیان و زبان‌ها و آیین‌ها توجه می‌نمودند و همه آنها را جزوی از یک پیکر واحد می‌انگاشتند. این در حالی است که پژوهشگران امروز، داده‌های ایران‌شناختی را- همچون ساسانیان- عمدتاً از منظر مزدیسنا و منابع پهلوی آن و بدون توجه به منابع مانوی و سغدی و هندی و سریانی و جز آنها، پی‌جویی و تحلیل می‌کنند. از آنجا که این منابع برآیند تلقی و تعبیرها و نوآوری‌های ساسانی در آیین‌ها و باورداشت‌ها و داده‌های کهن است، نه تنها کمک چندانی به پیش‌شگر نمی‌کند، که به گفته ژان کلنز- اوستاشناس فرانسوی- او را به گمراهی می‌کشاند.

فرهنگنامه ایران با دانشنامه پامیروایرانی به هر آن پدیده‌ای می‌پردازد که با فرهنگ و تمدن کهن مردمان فلات ایران تا فلات پامیر در پیوند است. سرزمین‌هایی که نگارنده نام‌های «پامیروایرانی» (بر اساس اصطلاح جغرافیایی) و «ایرانی» (به تبعیت از شیوه‌های دیرین نامگذاری با ساخت‌های زبانی سنتی و ساسانی) را برای آن وضع و پیشنهاد کرده است. بدیهی است که این نامگذاری‌ها و انتخاب این حوزه جغرافیایی برای تعیین محدوده مدخل‌های فرهنگنامه، مبتنی بر گرایش‌های تمامیت‌گراانه و مالکیت‌طلبانه و به ویژه متکی بر نقشه‌های جغرافیایی‌ای که شمول سلطه حکومت‌ها و سلسله‌ها را معین می‌کند، نبوده و صرفاً بر اساس وجود پاره‌ای شباهت‌های فرهنگی و آیینی و به ویژه شباهت در «سرنوشت مشترک» و «رنج‌های مشترک» مردمان آن بوده است.

همه مردمان سرزمین‌های پهناور پامیروایرانی برای ساختن و پروراندن فرهنگ و تمدن کهن و غنی آن کوشیده‌اند و به پایش رنج‌ها برده‌اند. این فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و کوشش‌ها و رنج‌ها، برگ‌های فرهنگنامه ایران/ دانشنامه پامیروایرانی خواهند بود. برگ‌هایی که گاه روایتگر زیبایی‌ها و شکوهمندی‌ها و گاه بازگوکننده دردها و آلام سرنوشت‌آلود چنین رویکردی موجب شده تا در انتخاب مدخل‌ها به فرهنگ و هنر، و بطور کلی دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی مردم بیشتر از مناسبات درون درباری، نزاع‌های قدرت، تصوف و فرق پرداخته شود.

با این حال، نام‌ها و اصطلاح‌های «ایران» و «پامیروایرانی» دارای مفاهیم و تعاریف مشخص و متمایزی نیستند و اینکه چه موادی در ذیل آنها گنجانده شود و یا نشود، در بسیاری

موارد در دامنه‌ای از تناقض‌ها و خاکستری‌ها و دشواری‌ها قرار می‌گیرد (← ایران). از نظر زمانی نیز نگارنده کوشیده است تا مرز پایانی کار را در اواخر دوره قاجاری قرار دهد و مرز آغازین برای آن در نظر نگیرد.

فرهنگنامه ایران گستره وسیعی از نام‌ها و مفاهیم را به شکل موجز و مختصر (و در مواردی به تفصیل بیشتر) در بر می‌گیرد. از آن جمله است: دوره‌های باستان‌شناسی، سکونتگاه‌ها، آثار و بناهای باستانی، سنگ‌نگارها، خط‌ها و زبان‌ها، کتیبه‌ها و متون کهن، متون ادبی، علمی، شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای، نام‌های اوستا و شاهنامه، دانشوران، شاعران، هنرمندان، ادیبان و شاعران، جشن‌ها و گردهمایی‌های مردمی، مناسبت‌های تقویمی و باورهای کیهانی، هنرهای مردمی و صنایع دستی، موسیقی و خوشنویسی، اوزان و مقیاس‌ها، تاریخ‌نگاری‌ها و معرکات، تاریخ‌نگاران و جغرافی‌نویسان، شرق‌شناسان و سفرنامه‌نویسان. ثبت طبقه‌بندی دقیق نام‌های باستانی بر اساس ترتیب الفبایی کاری دشوار و گاه غیرممکن است. این دشواری از آنجاست که تلفظ و شکل نگارشی نام‌ها در منابع گوناگون به اشکال و صورت‌های مختلف ثبت شده است. شکل متفاوت نام‌ها در زبان‌های باستانی و نیز جابجایی مصوت‌های کلمات با یکدیگر موجب پیدایش اشکال متنوعی از یک نام واحد شده که در برخی موارد به چنین صورت می‌رسد. نگارنده کوشش کرده تا معمول‌ترین و متداول‌ترین و آشناترین شکل نام‌ها را درج اصلی بیاورد و تعدادی از اشکال دیگر و نسبتاً مشهور را بدان ارجاع دهد. در نتیجه لازم است تا برای پی‌جویی نامی خاص، صورت‌های احتمالی دیگر آنرا با مصوت‌های مشابه در نظر داشت و به ترتیب الفبایی آن رجوع کرد.

روش طبقه‌بندی مدخل‌ها عمدتاً با اتکال به ترتیب الفبایی نام‌های خاص بوده است. اما از آنجا که در این فرهنگنامه نه تنها اعلام و نام‌ها و مفاهیم عام، که بسیاری مواد دیگر و از جمله آثار باستانی‌ای که بدون نام خاص هستند نیز آورده شده است، روش ترتیب الفبایی موضوعی نیز بهره گرفته شده است. برای مثال، مدخل «گفتاری» به «گفتاری» و «گفتاری» به «گفتاری» ارجاع داده شده و به تبع آن، مجموعه دیگر کتیبه‌ها، سنگ‌نگارها، دخمه‌ها، برج‌ها و جز آنها به همین شیوه طبقه‌بندی شده است. فایده دیگر اینکار در این است که خواننده می‌تواند بدون در نظر داشتن مدخل بخصوصی به مطالعه عموم آنها بپردازد و یا اگر در زمینه خاصی پژوهش می‌کند، مجموع مدخل‌های مرتبط را در زیر یکدیگر ببیند و احیاناً با مادی که برایش تازه‌گی دارد، روبرو شود. علاوه بر این، یک فهرست مفصل موضوعی نیز برای بافتن سریع‌تر و دسترسی آسان‌تر به مدخل‌های مطلوب به پایان کتاب افزوده شده است.

در این کتاب تماماً از آوانویسی لاتینی خودداری شده است. نگارنده بر این گمان است که الفبای فارسی برای این مقصود کفایت می‌کند و چنانچه در برخی موارد مشکلاتی در ضبط آواها وجود داشته باشد، این مشکلات الزاماً با بهره‌گیری از الفبای لاتینی برطرف نخواهد شد و ای بسا مشکلات و معضلات جدیدتری را پیش خواهد آورد. بخصوص در وضعیتی که هر کس بنا به سلیقه و پسند خود فهرستی دلخواه از شیوه آوانویسی لاتینی ارائه داده و بر دامنه دشواری‌ها افزوده‌اند. اگر در دهه‌های گذشته، برخی از فرهنگ‌نویسان به ثبت آواها بر اساس الفبای لاتینی پرداخته‌اند، بیشتر به دلیل دشواری‌های موجود در امکانات محاسبه چای سربی و نبود یا کمبود حروف زیر و زبردار بوده است.

که نویسی این فرهنگنامه از سال‌ها پیش آغاز شد و در فاصله فروردین سال ۱۳۸۲ تا خرداد ۱۳۸۳ در یک سلسله کلاس‌های آزاد ایران‌پژوهی برای علاقه‌مندان بازگو شد. با این حال این مردم‌شناس و مشکل فعلی‌اش با آنچه که آرمان نگارنده است، فاصله بسیاری دارد. فاصله‌ای که مدتها در ویراست‌های بعدی و با در نظر گرفتن تقدما و نکته‌هایی که صاحب‌نظران و محققان روی لطف به نگارنده اطلاع می‌دهند، کمتر شود و به نتیجه شایسته‌ای برسد.

فرهنگنامه ایران آثار مستند و غیروابسته است و صرفاً با فروش نسخه‌های چاپی یا دیجیتالی آن و بدون حمایت مالی از سوی شخص یا نهادی منتشر می‌شود. در نتیجه، محتویات یا مستندات تاریخی و باستان‌شناختی آن مصداق درخواست کسی نوشته نشده و تغییر داده نخواهد شد.

تمامی موادی که در این فرهنگنامه عرضه شد به اعم از متن، عکس، طرح، صدا و جز آنها) منحصراً برای همین اثر و آثار مکمل آن گردآوری شده‌اند. تمامی عکس‌های کتاب از میان بایگانی عکس‌های نگارنده که در طول بیست سال گذشته طی سفر به سراسر ایران گرفته شده، انتخاب گردیده‌اند.

نگارنده لازم به اعلام و تأکید می‌داند که فرهنگنامه ایران به هیچ وجه واقع‌گرایانه و مصفاانه و به دور از خطمشی‌های مکتبی و ناسیونالیستی به انسان و زندگی بشر نگاه نمی‌کند و دستاوردها و رنج‌های او دارد و بطور کلی از رویکردهای قوم‌گرایانه و هرمنوتیک‌نگاری و تمامیت‌خواهی (و به ویژه از انگاره‌های مبتنی بر اصطلاح و مفهوم ساختگی و استعماری «نژاد آریایی» ← آریا) بری و برکنار است. فرهنگنامه ایران دیدی یکسان به تمامی انسان‌ها و زبان‌ها و فرهنگ‌ها خواهد داشت و هیچ کس و هیچ چیز را برتر از دیگری نخواهد دانست و رجحان نخواهد داد. همه مردمان این سرزمین‌های گسترده در حد توان خود در پیدایش و شکل‌گیری جلوه‌ها و نمودهای گوناگون و رنگارنگ فرهنگ و تمدن آن

کوشیده‌اند و تأثیر سازنده از خود بر جای نهاده‌اند. نگارنده ناخشنودی خود را از استنباط‌ها و نتیجه‌گیری‌های احتمالی و بهره‌گیری‌های مبتنی بر هرگونه انگاره برتری‌طلبانه عمیقاً ابراز می‌دارد و به اصرار و صراحت اعلام می‌کند که هیچ بخش از محتویات این کتاب نمی‌باید برای توجیه تبعیض‌ها و برتری‌طلبی‌ها و تمامیت‌خواهی‌ها و آسیب به همبستگی میان مردم بکار رود.

رضا مرادی غیاث‌آبادی

دی‌ماه ۱۳۹۰ و خردادماه ۱۳۹۲

www.ketab.ir